

مقایسه و ارزیابی نقش‌های جنسیتی در فرهنگ قرآن کریم



مقاله پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۱/۵/۲۲
پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۰

سعیده الهی دوست*
مهتاب رضایپور**
علی ربانی***
سید محمد قلمکاریان****

10.22034/JKSL.2023.355904.1142

چکیده

تعریف درست از نقش‌های جنسیتی در جوامع و متناسب با ویژگی زنان و مردانه از جمله عوامل مؤثر در تحکیم خانواده است. نقش‌های جنسیتی در جوامع مختلف برگرفته از فرهنگ و مذهب آن جامعه‌اند، از آنجایی‌که قرآن یکی از منابع اصیل فرهنگ ماست، برای درک و تعریف درست از نقش‌های جنسیتی بایستی به آن رجوع نمود. در این مقاله با رجوع به آیات قرآن و تفاسیر موجود، به مقایسه و ارزیابی نقش‌های جنسیتی با توجه به دو الگوی قرآنی حضرت موسی علیه السلام و حضرت مریم علیها السلام پرداخته است. پژوهش حاضر با روش کیفی و تحلیل اسنادی و نظری انجام‌گرفته است. نتایج نشان می‌دهد الگوهای زن و مرد در قرآن از نظر شئون انسانی و قرب الهی، یکسان هستند اما نبوت و رسالت به معنای رهبری جامعه به دوش مردان است. هر دو الگوی قرآنی از جمله پرهیزگاران و مقربان درگاه الهی بوده و در دوره‌ای از زندگی خود تحت تربیت پیامبران الهی قرارگرفته‌اند. هر دو دارای معجزه الهی بوده یکی ید بیضا و عصا و ... و دیگری فرزندگی که در گهواره سخن می‌گوید. هر دو به سمت خداوند متعال دعوت نموده و در جریان سختی‌ها از خداوند طلب کمک می‌نمایند. نقش ویژه‌ای که برای حضرت مریم علیها السلام برشمرده مادری پیامبر الهی است و نقش ویژه حضرت موسی علیه السلام نبوت و رسالت ایشان است. احساسی که برای مریم علیها السلام برشمرده شده نگرانی و ترس از خدشه‌دار شدن عفت وی است. در صورتی که برای حضرت موسی علیه السلام به احساسات ترس و خشم، ترس از تکذیب فرعون و نیز ترس از فریب مردم توسط ساحران و خشم از مشاهده گمراهی قوم خود، اشاره شده است.

واژگان کلیدی: قرآن، نقش‌های جنسیتی، الگوهای رفتاری، حضرت مریم علیها السلام، حضرت موسی علیه السلام

* کارشناس ارشد مطالعات زنان، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات، دانشگاه اصفهان
Saide.elahidoost@gmail.com
** دانشجوی دکتری مطالعات زنان، گروه مطالعات زنان، دانشگاه ادیان، قم
Mtb.Rezapour@gmail.com
*** دانشیار، علوم اجتماعی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات، دانشگاه اصفهان
a.rabbanii@ltr.ui.ac.ir
**** استادیار، علوم تربیتی، گروه مشاوره و روانشناسی، پیام نور، ایران. (نویسنده مسئول)
M_ghalamkarian@pnu.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

یکی از معضلات جوامع امروزی ازهم‌گسیختگی خانواده‌هاست به طوری‌که هرروز شاهد افزایش روزافزون آمار طلاق هستیم. نبود آگاهی صحیح و کافی نسبت به نقش‌های خانوادگی یکی از عوامل افزایش طلاق است. از این رو آشنایی با نقش‌های متناسب با جنسیت زنانه و مردانه می‌تواند نقش مؤثری در تحکیم بنیان خانواده داشته باشد. مطالعات مختلف نشان می‌دهد که نقش‌های جنسیتی بر رضایتمندی و سازگاری زناشویی تأثیر دارد. کلوسون، هاچر، سکویا و همکاران (۲۰۲۰) معتقدند چنانچه زنان نقش‌هایی را ایفا کنند که با نگرش آنها نسبت به نقش‌های جنسیتی‌شان در تعارض باشد، در حوزه اشتغال و خانه‌داری دچار خانه‌داری خواهند شد. (پورمحسنی و همکاران، ۱۳۹۸)

تفاوت در نقش‌های جنسیتی یکی از مهم‌ترین زمینه‌های تجربه زیسته در بین مردان و زنان است که در سرتاسر جوامع و فرهنگ‌ها وجود دارد و تقسیم نقش‌های جنسیتی در تمام دوران زندگی نمود می‌یابد. دریک تعریف کلی نقش‌های جنسیتی به انتظارات رفتاری که از دو جنس در موقعیت‌های گوناگون و بر اساس هنجارهای جامعه انتظار می‌رود اطلاق می‌شود. (لیندسی، ۲۰۱۱: ۲) این مفهوم با مفهوم تقسیم کار جنسیتی یکسان نیست. مفهوم نقش مفهومی ذهنی و ناظر به انتظارات جامعه است درحالی‌که مفهوم تقسیم کار به توزیع واقعی کارها اشاره دارد. (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۶۷۳) در مورد ضرورت نقش‌های جنسیتی برخی معتقدند که تفاوت‌های اساسی بین زنان و مردان وجود دارد که باید تشخیص و به آن ارجح نهاده شود. از این رو باید از صفات زنان شناخت بیشتری به دست آورده و به ویژگی‌های زنانه به‌اندازه‌ی ویژگی‌های مردانه اهمیت داده شود (کرافورد انگر، ۲۰۰۴).

در مورد علل و شکل‌گیری نقش‌های جنسیتی دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. از دیدگاه نظریه نقش‌های اجتماعی، تفاوت نقش‌های زنان و مردان ریشه تاریخی دارد نه سرشتی، زنان به طور سرشتی به خانه‌داری و مراقبت و مردان به طور سنتی به کار بیرون از خانه و نان‌آوری گمارده شده‌اند. (ایگلی و وود؛ به نقل از احمدی، ۱۳۹۷) از طرفی برخی معتقدند کلیشه‌های جنسیتی مبنی بر مردانه بودن سیاست مانع ارتقای حرفه‌ای و انتصاب زنان شاغل در حوزه‌های مدیریت و تصمیم‌گیری شده و آنان را در موقعیتی نامناسب‌تر از مردان قرار داده است. و مانع ارتقای موفقیت زنان در این مشاغل می‌گردد. (شاطرزاده و همکاران، ۱۴۰۱) عده‌ای از متفکران قائلند که نقش‌های اجتماعی جنسیتی در جوامع مدرن به وجود آمده‌اند و جنسیت امری اجتماعی است، لذا نقش‌های اجتماعی نیز به‌تبع جنسیت، اجتماعی شده هستند و در یک جامعه با جوامع دیگر متفاوت‌اند. در دیدگاه اسلامی،



نقش‌های جنسیتی بر اساس تفاوت‌های طبیعی میان زن و مرد صورت گرفته است. به طوری که در آیه ۳۴ سوره نساء، سرپرستی مرد در خانواده به عنوان فضیلتی تکوینی ذکر شده است (قاسم پور، ۱۳۹۷).

در جامعه ما «انتظارات نقشی» تحت تأثیر فرهنگ مذهبی جامعه بوده و در بسیاری از موارد، برگرفته از کتاب دینی ما قرآن است. این نقش‌ها از دوره جامعه‌پذیری به هر دو جنس منتقل می‌شود و دختران و پسران بر اساس ارزش‌های فرهنگی حاکم بر جامعه، نقش‌های جنسیتی را می‌آموزند. (فلاحی، ۱۳۹۵: ۳۵) از نظر اسلام زن در فعالیت‌های مختلفی می‌تواند مشارکت داشته باشد، اما وظیفه برقراری آرامش در خانواده به صراحت به عنوان نقشی زنانه مطرح و وظیفه سرپرستی و نان‌آوری در خانواده نیز به عنوان نقش‌های مردانه تعریف شده است. (افروز، ۱۳۸۶: ۱۶۳؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۳۲۶) تحولات دهه‌های اخیر در مجموع به سمت فاصله گرفتن از الگوی سنتی است. نقش مادری و همسری به منزله نقش انحصاری زنانه، آماج چالش قرار گرفته است و شاهد رویکردهای حمایتی از حقوق زنان هستیم که بیش از همه تحت تأثیر افکار مدرنیته و فمینیستی است، به طوری که نظام مردسالار آن را برای خانه‌نشین ساختن زنان، وانمود می‌کند. (زیبایی نژاد، ۱۳۸۸: ۲۸؛ به نقل از سهراب زاده و همکاران، ۱۳۹۸) نهاد خانواده در اسلام به عنوان پدیدآورنده آرامش، اهمیت زیادی دارد و والدین را مهم‌ترین الگوی فرزندان در نقش‌های جنسیتی فرزندان می‌داند در حالی که فمینیسم با انتقاد از کارکردهای خانواده در تحمیل کلیشه‌های جنسیتی خانواده را علت نابرابری و انقیاد زنان در جامعه می‌پندارد. (احمدی و تشکری، ۱۴۰۰)

مسلمانان معتقدند قرآن کامل‌ترین کتاب آسمانی و جامع‌ترین کتاب برای سعادت انسان است. قرآن حاوی مطالب بی‌نظیری برای رشد و تعالی انسان‌ها است. همچنین خانواده از جایگاه والایی در قرآن برخوردار است و در آیات متعددی عوامل تحکیم خانواده را برمی‌شمارد. در قرآن کریم از الگوهای شخصیتی نام برده شده که در آیات متعدد به بررسی شخصیت و رفتار آن‌ها در زندگی خانوادگی و اجتماعی می‌پردازد.

آشنایی با ویژگی‌های رفتاری و شخصیتی الگوهای قرآنی، زمینه‌ساز تعریف نقش‌ها و تغییر رفتارها بر اساس شاخصه‌های قرآنی بوده و امید است که این شناخت عامل کاهش اختلافات خانوادگی و افزایش تحکیم خانواده‌ها بشود. این پژوهش بنا دارد تا با بررسی الگوهای قرآنی از دیدگاه اسلام و منابع اسلامی، نظر قرآن نسبت به نقش‌های جنسیتی را استخراج نماید. از این رو با استفاده از نظریات جامعه‌شناسی در باب نقش‌های جنسیتی، آیات قرآن کریم بررسی و بازبینی شده تا الگوی رفتاری و شخصیتی جامع از

منظر قرآن تبیین گردد.

پیشینه تحقیق

شاطرزاده و همکاران (۱۴۰۱) در تحقیق خود بر روی ۴۹۴ زن شاغل در دستگاه‌های اجرایی سیاسی و غیرسیاسی، نشان دادند که ویژگی‌های مطلوبیت اجتماعی بیشتر در زنان شاغل در دستگاه‌های اجرایی سیاسی با اضطراب و بی‌خوابی بیشتری همراه بوده است. در حالی که ویژگی‌های مردانه بیشتر در زنان شاغل در دستگاه‌های اجرایی غیر سیاسی با اختلال کارکرد اجتماعی کمتری همراه بود.

احمدی و تشکری (۱۴۰۰) در مقاله خود به تأثیر خانواده در جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی از دیدگاه اسلام و فمینیسم پرداخته است. اسلام با تأکید بر نقش خانواده در الگوپذیری سالم فرزندان از آن به‌عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی یاد می‌کند. اما جامعه‌شناسان فمینیسم با انتقاد از کارکردهای خانواده به‌عنوان مهم‌ترین عامل ایجاد کلیشه‌های جنسیتی در درون فرزندان و نقش والدین در جامعه‌پذیری جنسیتی آنها خانواده را علت نابرابری و انقیاد زنان در جامعه می‌دانند.

سهراب زاده و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهش خود که بر روی ۶۰۰ نفر زن متأهل انجام گرفته، نشان دادند که تحصیلات، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، استفاده از اینستاگرام، تلویزیون و وضعیت شغلی همسران از مهم‌ترین تبیین‌گرهای بازاندیشی زنان در نقش‌های جنسیتی است.

قاسم پور (۱۳۹۷) در مقاله خود به مقایسه تطبیقی نقش‌های جنسیتی در رویکرد اسلامی و جامعه‌شناختی پرداخته است. از نظر جامعه‌شناختی، فرهنگ از منابع مهم در تعریف نقش جنسیتی است به طوری که نقش‌های جنسیتی در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است. همچنین دگرگونی جوامع نیز بر آن مؤثر بوده است. اما در دیدگاه اسلامی زن از نظر انسانیت، ارزشمندی و کرامت انسانی تفاوتی با مرد نداشته اما در نقش‌های خانوادگی، اجتماعی و برنامه‌ریزی‌ها باید به تناسبات تکوینی و کارکردهای متمایز ایشان توجه شود و تفاوت‌های طبیعی، منشأ انتظارات از نقش‌های زنانه و مردانه قرار گیرد. فلاحتی (۱۳۹۵) در پژوهشی، نگرش به نقش‌های جنسیتی در نسبت با قومیت و جنسیت را مورد بررسی قرار داده است. این تحقیق بر روی ۴۰۰ نفر از دانشجویان دختر و پسر انجام گرفته و نتایج آن نشان می‌دهد که دیدگاه سنتی به نقش‌های جنسیتی در بین دانشجویان وجود نداشته و نگرش‌ها در سطح حرفه‌ای و برابری قرار دارد. بین مردان و زنان تفاوت معنادار در نگرش به نقش‌های جنسیتی وجود دارد به طوری که مردان نگرش حرفه‌ای و زنان نگرش برابری به نقش‌های جنسیتی دارند.



براتی و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیق خود به بررسی تقسیم کار جنسیتی از دیدگاه اسلام پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که نهادهای دینی که هنجارهای فرهنگی، قانونی و اجتماعی و رفتارها را شکل می‌دهند، اثرات قابل ملاحظه‌ای بر استحکام نگرش‌ها و نقش‌های جنسیتی دارند. اسلام نیز در این زمینه جهان‌بینی خاص خود را دارد. اسلام تفاوت‌های زنان و مردان را می‌پذیرد ولی این نکته را هم متذکر می‌شود که تفاوت شغل‌های انتخاب شده توسط دو جنس تحت تأثیر شرایط فرهنگی جامعه قرار دارد. اشتراک و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیقی به مقایسه میزان تمایز یافتگی زنان در الگوهای متفاوت جنسیتی از جمله آندروژنی (فراجنسیتی)، زنانه و مردانه پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که میزان تمایز یافتگی زنان دارای الگوی جنسیتی آندروژن نسبت به سایر گروه‌های جنسیتی بیشتر است.

حسینی زاده و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیق خود با نگاه نقد بیرونی به بررسی مسئله برابری یا تفاوت از منظر آیات قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام پرداخته و با تمسک به دوازده دسته دلیل نقلی، به تبیین تفاوت زن و مرد از نگاه اسلام پرداخته‌اند.

شاهدی و فرجودی (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی جایگاه شغلی زن در خانواده و اجتماع از دیدگاه قرآن پرداخته و نتایج نشان می‌دهد که زن در راستای نقش تربیتی در خانواده می‌تواند در اجتماع به فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بپردازد. اسلام مانع مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نمی‌شود بلکه برای این کار ارزش قائل است. از نگاه قرآن زن عضو مؤثری در اجتماع است و باید مانند مردان در مسائل مهم اجتماعی نقش‌آفرینی کند.

بستان (۱۳۸۵) در مقاله خود ضمن بازنگری مهم‌ترین نظریه‌های خرد و کلان نقش جنسیتی می‌کوشد تبیینی چند علتی و منطبق با آموزه‌های دینی ارائه دهد. پذیرش اعدادی تفاوت‌های جنسی طبیعی در شکل‌گیری نقش‌های جنسیتی در عین انکار جبرگرایی، مهم‌ترین نتیجه این نوشتار است.

سفیری (۱۳۸۵) در پژوهشی به بررسی زمینه‌های ناسازگاری نقش‌های اجتماعی و خانوادگی پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که زنان ناسازگاری نقش را در زمینه‌های گوناگون تجربه می‌کنند. آنان در زمینه خانوادگی کمترین و در زمینه مدیریت مالی بیشترین ناسازگاری را احساس می‌کنند.

شاهورائی (۱۳۸۲) در تحقیق خود به بررسی تفاوت‌های جنسیتی زنان و مردان در دو دیدگاه قرآن و فمینیسم پرداخته است.

بست و ویلیامز (۱۹۹۰ م) در تحقیقی به دانشجویان دانشگاه فهرستی از سیصد صفت را ارائه دادند و از آنها پرسیدند که آیا در فرهنگ آنها هر صفت بیشتر به مردان ارتباط دارد و یا به زنان و یا این‌که هیچ تفاوتی از لحاظ جنسیتی در فرهنگ آنها نسبت به آن صفت وجود ندارد. نتایج نشان داد که در رابطه با ویژگی‌های روان‌شناختی که به مردان و زنان نسبت داده می‌شود، توافق اساسی وجود دارد، اما کلیشه‌های مردانه و زنانه در هلند، فنلاند، نروژ و آلمان حداکثر تفاوت را نشان می‌دهد و در اسکاتلند، بولیوی و ونزوئلا، کمترین تفاوت مشاهده می‌شود. کلیشه‌های مردانه و زنانه در میان کشورهای پورتوستان متفاوت‌تر از کشورهای کاتولیک بود و تفاوت در کشورهای توسعه یافته نیز وجود داشت. در همه‌ی کشورها، صفاتی چون سلطه‌جویی، خود مختاری، پرخاشگری و میل به پیشرفت با مردان مرتبط بود و صفاتی چون مراقبت، کمک، احترام و فروتنی با زنان همراه بود. کلیشه‌های مردانه، در همه کشورها مثبت‌تر، فعال‌تر و قوی‌تر از کلیشه‌های زنانه ارزیابی شد. اگرچه در برخی کشورها مثل ژاپن، آفریقای جنوبی و نیجریه کلیشه‌های مردانه مطلوب‌تر قضاوت شدند، اما در فرهنگ‌هایی چون ایتالیا، پرو و استرالیا، کلیشه‌های زنانه مطلوب‌تر قضاوت گردیدند.

اهداف و سؤالات تحقیق

هدف کلی این تحقیق توصیف الگوهای رفتارهای زنان و مردانه با توجه به دو شخصیت قرآنی حضرت مریم علیها السلام و حضرت موسی علیه السلام و تحلیل نقش‌های جنسیتی از نظر قرآن می‌باشد.

سؤالات تحقیق به شرح زیر می‌باشد:
در قرآن کریم ویژگی‌های شخصیتی، معنوی و رفتاری حضرت مریم علیها السلام چگونه توصیف شده است؟

خداوند در قرآن کریم چه نقش‌های اجتماعی و تربیتی برای حضرت مریم علیها السلام برشمرده است؟
در قرآن کریم ویژگی‌های شخصیتی، معنوی و رفتاری حضرت موسی علیه السلام چگونه توصیف شده است؟

خداوند در قرآن کریم چه نقش‌های اجتماعی و تربیتی برای حضرت موسی علیه السلام برشمرده است؟
از نظر قرآن بین نقش‌های جنسیتی زنانه و مردانه چه تفاوتی وجود دارد؟

روش تحقیق و تحلیل داده‌های پژوهش

این مقاله به شیوه‌ی کیفی و تحلیل اسنادی و نظری انجام شده است؛ بر این اساس



ابتدا به بررسی آیات موجود درباره دو الگوی قرآنی حضرت مریم علیها السلام و حضرت موسی علیه السلام پرداخته شده است. سپس با توجه به تفاسیر موجود به تحلیل الگوهای قرآنی پرداخته شده است.

به‌واری روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش در تحقیقات کمی که تا حدی مشخص است در پژوهش‌های کیفی این فرآیند بسیار دشوار بوده و محقق با انبوهی از یادداشت‌ها، مصاحبه‌ها، فیش‌ها و مدارک تهیه شده مواجه است. بدین منظور برای به دست آوردن اطلاعات از سه روش ذیل استفاده می‌گردد:

۱. تحلیل تفسیری

۲. تحلیل ساختاری (سازه)

۳. تحلیل تأملی (فکری)

برای این منظور سؤالات تحقیق را مرور نموده و یک به یک تحلیل و تفسیر و تحلیل می‌نماییم.

یافته‌ها

الگو از نظر قرآن

اگر انسانی وارسته شد، الگوی دیگر انسان‌ها است. اگر مرد است الگوی مردم است نه مردان، و اگر زن باشد باز الگوی مردم است نه زنان. (جوادی آملی، ۱۶۳) قرآن داستان‌ها و قصصی را نقل می‌کند و پس از این ملاک ارزش را در شئون گوناگون مشخص می‌کند، مشاهده می‌شود که نوع آن مسائل ارزشی را هم در ضمن داستان‌های زن نقل می‌کند و هم در ضمن داستان‌های مرد. قرآن پیامبران الهی را به‌عنوان الگوهای رفتاری، اجتماعی و اخلاقی معرفی می‌نماید. از جمله الگوهای قرآنی حضرت موسی علیه السلام می‌باشد که نام ایشان بیش از صد و سی مرتبه در قرآن آمده است. زندگی حضرت موسی را می‌شود در پنج دوره تقسیم کرد.

۱. دوران تولد: این دوران با ترس مادر حضرت همراه بود چون به فرعون خبر داده بودند که امسال پسری متولد می‌شود که کاخ تو را زیر و رو می‌کند. پس فرعون دستور داد تا اگر زنی نوزاد پسر به دنیا آورد، بچه‌اش را بکشید. مادر موسی، پس از زایمان ترسید که فرزندش کشته شود. اما به وی وحی شد که موسی را شیر بدهد و داخل صندوق بگذارد و داخل رودخانه بیندازد. ساحل و موج این صندوقچه را کنار انداخت. فرعون این صندوقچه را گرفت و نوزاد پسر را در آن دید. در یک لحظه خواست که او را بکشد اما همسر فرعون مانع شد و گفت: او را نکش. امیدوارم خداوند از طریق این بچه به ما نفعی برساند.

۲. دوران جوانی: در این دوران حضرت موسی به دامادی حضرت شعیب نبی درآمد و تحت آموزش وی قرار گرفت.

۳. دوران مبارزه: این دوران شامل دعوت از فرعون به سوی خداوند و درگیری با وی تا زمان غرق شدن فرعون، است.

۴. دوران حکومت: حکومت بر بنی اسرائیل و هدایت آنها به سمت سرزمین موعود است.

۵. دوران گوساله پرستی قوم یهود: در نبود حضرت موسی یهود از حق منحرف شد و هدایت قوم رهبری ویژه می‌طلبید. (ر. ک. قرائتی، ۱۳۸۳)

آنچه از آیات و تفاسیر قرآن برمی‌آید این است که نقش اصلی حضرت موسی ﷺ مبارزه با کفر و طاغوت و دعوت به ایمان است. و در این راه مادر و خواهر موسی ﷺ و زن فرعون وی را در دوران کودکی برای نجات جان وی از دست فرعون یاری می‌نمایند. در دوران پیامبری نیز هارون برادر ایشان وی را همراهی و مساعدت می‌نماید.

چنانچه در مقدمه گذشت، مفهوم نقش‌های جنسیتی با شاخص‌هایی همچون اختصاص پاره‌ای از وظایف و کارهای خانگی یا اجتماعی به یکی از دو جنس مانند اختصاص خانه‌داری و تربیت فرزندان به زنان و نان‌آوری و رهبری سیاسی به مردان و نیز انتظار ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری متفاوت از هریک از دو جنس مانند انتظار روحیه و رفتار عاطفی از زنان و انتظار سلطه‌جویی و حسابگری از مردان تعریف می‌شود. (بستان، ۱۳۸۵) از این رو ویژگی‌های حضرت موسی ﷺ در دو قسمت قابل توصیف است:

۱. ویژگی‌های شخصیتی، معنوی و رفتاری.

۲. نقش‌های اجتماعی و تربیتی.

۱- ویژگی‌های شخصیتی، معنوی و رفتاری

۱-۱. فضائل اخلاقی و معنوی بلند پایه حضرت موسی ﷺ: قرآن کریم در آیات متعددی بر فضائل اخلاقی و معنوی بلند پایه حضرت موسی ع تصریح می‌کند: «سَلَامٌ عَلٰی مُوسٰی وَ هٰٓاۤوْنَ» (صافات: ۱۲۰) «وَلَقَدْ مَنَّا عَلٰی مُوسٰی وَ هٰٓاۤوْنَ» ما بر موسی و هارون منت نهادیم. (صافات: ۱۱۴) ۲-۱. هدایت شده: «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسٰی الْهُدٰی وَ اَوْرَثْنَا بَنِيۤ اِسْرٰٓئِیْلَ الْكِتٰبَ» و ما به موسی

هدایت بخشیدیم، و بنی اسرائیل را وارثان کتاب (تورات) قرار دادیم. (غافر: ۵۳)

۳-۱. مخلص: قرآن کریم حضرت موسی ﷺ را به بهترین مدح و ثنا ستوده، و فرموده: «وَاذْكُرْ فِی الْكِتٰبِ مُوسٰی، اِنَّهُ كَانَ مُخْلِصًا، وَ كَانَ رَسُوْلًا نَّبِيًّا، وَ نَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّوْرِ الْاَيْمَنِ، وَ قَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا» یاد آور در کتاب موسی را که مخلص و رسولی نبی بود و ما او را از جانب طور ایمن ندا دادیم، برای هم‌سخنی خود نزدیکش کردیم. (مریم: ۵۲)



۴-۱. آبرومند نزد خدا: «وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا» او نزد خدا آبرومند بود. (احزاب: ۶۹)

۵-۱. سخن گفتن با خدا: «وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا» خدا با موسی به نحوی که شما نمی‌دانید، هم‌سخن شد. (نساء: ۱۶۴)

۶-۱. روحیه توحیدی و استمداد از خداوند: «رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ»: ای پروردگار من، من، به آن نعمتی که برایم می‌فرستی نیازمندم (طه: ۲۵) «قال رب اشرح لی صدري* و یسر لی امری» شرح صدرم عطا فرما که از جفا و آزار مردم تنگدل نشوم. و کارم را آسان گردان و سختی‌هایی که در انجام این وظیفه بر من پیش می‌آید برطرف ساز. (طه: ۲۶ - ۲۵) درخواست او برای کمک، نشان دهنده ویژگی رهبر مسلمان و کمال عبودیت و وابستگی او به پروردگارش در تمام زمینه‌هاست.

۷-۱. با نرمی سخن گفتن «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» و با او سخنی نرم گویند شاید که پند پذیرد یا بترسد. (طه: ۴۴)

۸-۱. قوی و امین: «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» یکی از آن دو گفت: ای پدر، اجیرش کن، که اگر چنین کنی بهترین مرد، نیرومند امینی است که اجیر کرده‌ای. (قصص: ۲۷)

۹-۱. تعجیل: «وَمَا أَعْجَلَكَ عَنْ قَوْمِكَ يَا مُوسَى»: و ای موسی چه چیز تو را [دورا] از قوم خودت به شتاب واداشته است. (طه: ۸۳)

۱۰-۱. احساس پشیمانی طلب مغفرت از خداوند برای درگیری و کشتن: «قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» گفت: ای پروردگار من، من به خود ستم کردم مرا ببامرز و خدایش ببامرزید زیرا آمرزنده و مهربان است. (قصص: ۱۶)

۱۱-۱. احساس ترس و نگرانی پس از کشتن مرد قبطی: «قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَنْ

يَقْتُلُون» گفت: ای پروردگار من، یکی از ایشان را کشته ام، و می‌ترسم مرا بکشند. (قصص: ۳۳)

۱۲-۱. خشم هنگام حمله به دشمن: «فَلَمَّا أَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْطِشَ بِالَّذِي هُوَ عَدُوٌّ لَهُمَا قَالَ يَا مُوسَى أَتُرِيدُ أَنْ تَقْتُلَنِي كَمَا قَتَلْتَ نَفْسًا بِالْأَمْسِ إِنْ تُرِيدُ إِلَّا أَنْ تَكُونَ جَبْرًا فِي الْأَرْضِ وَمَا تُرِيدُ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْمُضْلِحِينَ» و چون خواست به سوی آنکه دشمن هر دوشان بود حمله آورد، گفت: ای موسی، آیا می‌خواهی مرا بکشی چنان‌که دیروز شخصی را کشتی؟ تو می‌خواهی در این سرزمین فقط زورگو باشی، و نمی‌خواهی از اصلاحگران باشی. (قصص: ۱۹) از تامل در این آیه چنین برداشت می‌شود که موسی عليه السلام از رخداد قبلی هراسان است گویی منتظر گونه‌ای مجازات است. وی متوجه می‌شود که مرد مظلوم نمایی دیروز، آدمی گمراه و شرور است. و همین امر وی را برآشفته می‌سازد. موسی ع آغاز به حمله می‌کند.

آن مرد شرور پیش‌دستی کرده و با جنجال آفرینی موسی علیه السلام را خطاب می‌کند که تو می‌خواهی مرا هم بکشی همچنان که دیروز آن مرد را هم کشتی. مرد شرور فرصت را غنیمت شمرده چه بسا برای نجات خود و ترساندن موسی علیه السلام اتهامات دیگری را هم به موسی علیه السلام می‌زند. موسی موقعیت را پر خطر تلقی کرده و آن صحنه را ترک می‌کند.

۱۳-۱. خشم و تاسف در مشاهده گمراهی قوم خود: «فَرَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ يَا قَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعَدًّا حَسَنًا أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِّنْ رَبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُم مَّوعِدِي» پس موسی خشمگین و اندوهناک به سوی قوم خود برگشت [و] گفت ای قوم من آیا پروردگارتان به شما وعده نیکو نداد آیا این مدت بر شما طولانی می‌نمود یا خواستید خشمی از پروردگارتان بر شما فرود آید که با وعده من مخالفت کردید. (طه: ۸۶) از این آیه چنین برداشت می‌شود که موسی به سوی قوم خود برگشت درحالی‌که غضبناک و سخت خشمگین و یا اندوهناک بود و شروع کرد به ملامت ایشان بر کاری که کرده بودند.

۱۴-۱. برخورد سخت گیرانه با برادرش هارون: «يَا بَنِي أُمَّ لَاتَاخِذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي» فرزند مادرم! ریش و سر مرا مگیر! (طه: ۹۴) از این آیه استفاده می‌شود که موسی علیه السلام موی سر و ریش برادر خود هارون را محکم با دست خود گرفت و او را مواخذه کرد.

۱۵-۱. ترس از تکذیب و طغیان فرعون: «قَالَ رَبَّنَا إِنَّنَا نَخَافُ أَنْ يَفْزُقَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْغَىٰ» آن دو گفتند پروردگارا ما می‌ترسیم که [او] آسیبی به ما برساند یا آنکه سرکشی کند. (طه: ۴۵)

۱۶-۱. ترس در هنگام دیدن سحر و فریب مردم: «فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُّوسَىٰ. قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَىٰ. وَأَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدٌ سَاحِرٌ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَىٰ.» و موسی در خود بیمی احساس کرد. گفتیم مترس که تو خود برتری. و آنچه در دست داری بینداز تا هر چه را ساخته‌اند ببلعد به راستی آنچه سرهم‌بندی کرده‌اند افسون افسونگر است و افسونگر هر جا برود رستگار نمی‌شود. (طه: ۶۷، ۶۸ و ۶۹)

نقش‌های اجتماعی و تربیتی حضرت موسی علیه السلام

۱۰۲. رسالت و نبوت: «كَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا» (مریم: ۵۱)

۱۰۲-۲. یاری مظلومان: «وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينٍ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَعَاثَ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَرَهُ مُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيْهِ قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِينٌ» بی‌خبر از مردم شهر به شهر داخل شد دو تن را دید که باهم نزاع می‌کنند، این یک از پیروانش بود و آن یک از دشمنانش. آن که از پیروانش بود بر ضد آن دیگر که از دشمنانش بود، از



او یاری خواست. موسی مشتبی بر او نواخت و او را کشت گفت: این کار شیطان بود او به آشکارا دشمنی گمراه‌کننده است. (قصص: ۱۶)

۳-۲. کمک به نیازمندان (دختران شعیب): «وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْفُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصَدِرَ الرِّعَاءَ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ. فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لَمَّا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ» چون به آب مدین رسید، گروهی از مردم را دید که چارپایان خود را آب می‌دهند و پشت سرشان دو زن را دید که گوسفندان خود را باز می‌رانند گفت: شما چه می‌کنید؟ گفتند: ما آب نمی‌دهیم تا آنگاه که چوپانان بازگردند، که پدر ما پیری بزرگوار است. گوسفندانشان را آب داد سپس به سایه بازگشت و گفت: ای پروردگار من، من، به آن نعمتی که برایم می‌فرستی نیازمندم. (قصص: ۲۴ و ۲۵)

۴-۲. تفویض مسئولیت به برادر خود هارون در رفتن به کوه طور: «وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ» و موسی به برادر خود هارون گفت تو اکنون پیشوای قوم و جانشین من باش و راه صلاح پیش گیر و پیرو اهل فساد مباش. (اعراف: ۱۴۲) از این آیه چنین برداشت می‌شود که موسی علیه السلام رهبری جامعه و مدیریت امور را به وزیرش واگذار کرد. در این قضیه موسی علیه السلام سه بُعد مهم واگذاری اثربخشی را نشان می‌دهد: اول این‌که او با سفارش به هارون علیه السلام برای جانشینی در میان قومش به طور فراگیر و واضح جانشینی را به او واگذار کرد. ثانیاً او با درخواست از هارون علیه السلام برای انجام دادن صحیح کارش انتظار خود را از او (هدف مورد نظرش را) باز نمود. ثالثاً او با درخواست از هارون برای پیروی نکردن از افراد شرور، محدودیت‌های مناسبی را در اختیارات واگذار شده به هارون علیه السلام اعمال کرد. (اسدی کرم، ۱۳۷۹)

۵-۲. همکاری با هارون به منظور افزایش نیرو: «وَأَشَدُّ بِهِ أَزْرِي وَأَشْرَكُهُ فِي أُمْرِي» و به او پشت مرا محکم گردان. و او را در امر رسالت با من شریک گردان. (طه: ۳۱ و ۳۲)

۶-۲. رهانیدن بنی اسرائیل از سلطه فرعون: «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ وَوَأَعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَى» ای فرزندان اسرائیل در حقیقت [ما] شمارا از [دست] دشمنان رهانیدیم و در جانب راست طور با شما وعده نهادیم و بر شما ترنجبین و بلدرچین فرو فرستادیم. (طه: ۸۰)

۷-۲. احساس مسئولیت در برابر هدایت قوم خود: «قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِيَّايَ أَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا إِن هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَنْ تَشَاءُ وَتَهْدِي مَنْ تَشَاءُ» موسی علیه السلام گفت: پروردگارا اگر مشیت نافذت تعلق گرفته بود که همه آنها و مرا

هلاک کنی پیش‌تر می‌کردی آیا ما را به فعل سفیهان ما هلاک خواهی کرد، این کار جز فتنه و امتحان تو نیست. در این امتحان هر که را خواهی گمراه و هر که را خواهی هدایت می‌کنی.» (اعراف: ۱۵۵) وقتی موسی علیه السلام به سمت قومش بازگشت و فهمید که هارون نتوانسته است از گمراهی آنها توسط سامری جلوگیری کند ناراحت شد. (اسدی کرم، ۱۳۷۹)

۸-۲. دادن حکم و علم از جانب خداوند: «لَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاشْتَوَى آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ» چون به حد بلوغ رسید و برومند شد، او را فرزاندگی و دانش دادیم و، نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم. (قصص: ۱۴)

۹-۲. برخورد قاطعانه با متخلفین (سامری): «قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ»: [موسی] گفت ای سامری منظور تو چه بود؟ (طه: ۹۵)

۱۰-۲. مبارزه با طاغوت: «ادْهَبَا إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى» به سوی فرعون بروید که او به سرکشی برخاسته. (طه: ۴۳)

۱۱-۲. اشتغال به چوپانی: «قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا وَأَهُشُّ بِهَا عَلَى غَنَمِي وَلِيَ فِيهَا مَآرِبُ أُخْرَى» گفت این عصای من است بر آن تکیه می‌دهم و با آن برای گوسفندانم برگ می‌تکنم و کارهای دیگری هم برای من از آن برمی‌آید. (طه: ۱۸)

۱۲-۲. سرپرستی و مسئولیت خانواده (تهیه آتش برای خانواده): «فَلَمَّا قَضَى مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ» چون موسی مدت را به سر آورد و با زنش روان شد، از سوی طور آتشی دید به، کسان خود گفت: درنگ کنید آتشی دیدم شاید از آن خبری یا پاره آتشی بیاورم تا گرم شوید. (قصص: ۳۰)

«ادْرَأَى نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجْدٍ عَلَى النَّارِ هُدًى» هنگامی که آتشی دید پس به خانواده خود گفت درنگ کنید زیرا من آتشی دیدم امید که پاره‌ای از آن برای شما بیاورم یا در پرتو آتش راه خود را بازیابم. (طه: ۱۰)

۱۳-۲. تعیین و پرداخت مهریه: «قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ بِمَا نَعْبُدُ وَأَنْ نَكْفِكَ إِخْدَى ابْنَتِي هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حِجَجٍ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَسْقُ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ* قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلِينَ قَضَيْتَ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلَيَّ مَا نَقُولُ وَكَيلٌ» گفت: می‌خواهم یکی از این دو دخترم را زن تو کنم به شرط آن که هشت سال مزدور من باشی و اگر ده سال را تمام کنی، خود خدمتی است و من نمی‌خواهم که تو را به مشقت افکنم ان شاء الله مرا از صالحان خواهی یافت. گفت: این



است پیمان میان من و تو هر یک از دو مدت را که سپری سازم بر من ستمی نخواهد رفت و خدا بر آنچه می‌گوییم وکیل است. (قصص: ۲۷ و ۲۸)

۱. عظمت اجتماعی زن در قرآن

«در بخش مسائل اجتماعی، قرآن می‌فرماید: با زن‌ها معاشرت نیک داشته باشید و زن را چون مرد در مجامعتان راه دهید و اگر خوش‌آیندتان نیست که آن‌ها در مجامعتان شرکت کنند، این کار ناخوشایند را بکنید چراکه ممکن است خیر فراوانی در این کار باشد و شما ندانید. این معاشرت اختصاصی به مسائل خانوادگی ندارد. گاهی تعصب جاهلی یا رواج فرهنگ ناصواب یا تعصب خام و مانند آن، به مرد این‌چنین تلقین می‌کند که تو نمی‌توانی با زن در یک موسسه همکاری کنی یا زن در جامعه نمی‌تواند حضور فعال داشته باشد. قرآن می‌فرماید: با این صنف زن طوری رفتار کنید که عقل و شرع آن را به رسمیت می‌شناسد. این قشر عظیم را منزوی نکرده و با آن‌ها بدرفتاری نکنید. سپس می‌فرماید اگر نمی‌پسندید که زن‌ها از حیات اجتماعی صحیح و سالمی برخوردار باشند بدانید که این کراهت‌ها نارواست. آنچه خداوند به فطرت و روح زن داده به‌عنوان یک فضیلت به او عطا کرده، ولی دنیای مادی، زن را در معرض نمایش غرایز آورده و بر درندگی جامعه افزوده است. زن وقتی با سرمایه‌گریزه به جامعه آمد دیگر معلم عاطفه نیست، فرمان شهوت می‌دهد نه دستور گذشت، و شهوت جز کوری و کری چیزی به همراه ندارد، لذا اسلام اصرار دارد که زن در جامعه بیاید ولی با حجاب بیاید، یعنی بیاید که درس عاطفه و عفت بدهد نه این‌که درس شهوت و گریزه بیاموزد.» (جوادی آملی، ۳۹۵)

۲. آیات مربوط به زنان در قرآن کریم

۱. آیات مربوط به زنان در قرآن کریم در چهار دسته کلی قرار می‌گیرند:
 ۲. آیاتی که در بیان فقدان تفاوت میان زنان و مردان و برابر جلوه دان آن‌هاست.
 ۳. آیاتی که حدود شرعی مربوط به زنان را مشخص می‌کنند.
 ۴. آیاتی که روابط زناشویی و خانوادگی و مسائل حواشی آن را مطرح می‌کند.
 ۵. آیاتی که موضوع آن‌ها زنانی هستند که سرگذشت آن‌ها به‌عنوان الگو مطرح شده است.
- از آنجایی‌که آیات دسته‌های اول تا سوم در کتب و مقالات مختلف به آن پرداخته شده از آن‌ها گذر کرده و به آیات دسته چهارم می‌پردازیم اگرچه الگوهای شخصیتی زنان بارها مطرح شده اما تاکنون به تحلیل شخصیت نپرداخته‌اند. این دسته از آیات مربوط به زنانی است که با بیان خاص قرآن از سرگذشت آن‌ها هم می‌توان در مسائل اجتماعی

مربوط به زنان استفاده کرد، هم می‌توان عمل آن‌ها در پیشگاه الهی به‌عنوان یک انسان ارزیابی شود. از جمله این زنان می‌توان حضرت مریم علیها السلام، حضرت آسیه، بلقیس و ... را نام برد. (رئیس الساداتی، ۱۳۹۲) از آنجایی‌که از میان این زنان الگو از حضرت مریم در سوره‌های مختلف از جمله سوره مبارکه آل‌عمران، سوره مبارکه مریم علیها السلام، سوره مبارکه انبیا و سوره مبارکه تحریم، به‌عنوان الگو یادشده است، در این مقاله به بررسی ابعاد شخصیتی و اجتماعی ایشان پرداخته‌شده است.

حضرت مریم علیها السلام

در قرآن کریم نام حضرت مریم علیها السلام در سوره‌های بقره، آل‌عمران، نساء، مائده، مریم، مؤمنون، زخرف و تحریم ذکر شده است. در دین اسلام حضرت مریم علیها السلام از جمله انگشت‌شمار زنانی است که به مقام کمال و مطلوب انسانی دست‌یافته است. در قرآن کریم بارها از این بانوی بزرگ سخن به میان آمده و پاک‌دامنی و عفت، حیا، ایمان و فضایل برجسته اخلاقی او تأیید شده است. حضرت مریم علیها السلام دختر عمران و از نسل حضرت داود است. مادرش «حنه» نذر کرد که فرزندی را که در شکم دارد خدمتگزار بیت‌المقدس گرداند. وی از ابتدا تحت سرپرستی پیامبر زمان حضرت زکریا قرار گرفت.

ویژگی‌های حضرت مریم علیها السلام در دو قسمت قابل‌توصیف است:

۱. ویژگی‌های شخصیتی، معنوی و رفتاری.

۲. نقش‌های اجتماعی و تربیتی.

ویژگی‌های شخصیتی، معنوی و رفتاری

پاکی و طهارت مریم علیها السلام: «وَمَرْيَمَ ابْنَتِ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْضَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُنْتِ مِنَ الْقَائِمِينَ» و مریم دختر عمران را که شرمگاه خویش را از زنا ننگه داشت و ما از روح خود در آن دمیدیم و او کلمات پروردگار خود و کتاب‌هایش را تصدیق کرد و او از فرمان‌برداران بود. (تحریم: ۱۲)

از جمله عبادت‌کنندگان: «يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ» ای مریم، از پروردگارت اطاعت کن و سجده کن و با نمازگزاران نماز بخوان. (آل‌عمران: ۴۳)

مطیع امر خدا (قانتین): «وَكَاْنَتْ مِنَ الْقَائِمِيْنَ» (تحریم: ۱۲)

روحیه توحیدی: «قَالَتْ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِالرَّحْمٰنِ مِنْكَ اِنْ كُنْتُ تَقِيًّا» مریم گفت: از تو به خدای رحمان پناه می‌برم، که پرهیزگار باشی. (مریم: ۱۸) استعاذه آن حضرت به رحمان در مواجهه با فرشته مثل، از بارزترین مصادیق حضور توحید در این صحنه است. حضرت



مریم علیها السلام خود را به پناه رحمان سپرد تا رحمت عامه الهی را که هدف نهایی منقطعان عباد است، متوجه خود سازد. از طرفی نحوه مواجهه حضرت مریم علیها السلام با فرشته الهی نشان از تقوای الهی وی می‌باشد. که من از تو به رحمان پناه می‌برم، اگر تو با تقوی باشی، و چون باید با تقوی باشی پس همان تقوایت باید تو را از سوء قصد و متعرض شدنت به من باز بدارد و مرتکب گناه نمی‌شود. (طباطبایی، ۱۴۲۷: ج ۱۴، ص ۴۱) این بانوی صفوه الله که مطهره و برگزیده‌ی خدا بود و بخش شرقی مسجد را برای اعتکاف و عبادت خود انتخاب کرده بود، وقتی یک انسان در برابر خود می‌بیند، به خدا پناه می‌برد، چون یک موحد هر خطری را احساس کند به خدا پناه می‌برد. (جوادی آملی، ۱۳۷۳: ۵۶۶ به نقل از مستقیمی)

صدیقه (صداقت و سلامت گفتار): «وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا» «مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُوَّهُ صِدْقَةٌ كَأَنَّا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ أَنْظِرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ أَنْظِرْ أَنَّى يُؤْفَكُونَ» مسیح پسر مریم پیغمبری بیش نبود که پیش از او پیغمبرانی آمده‌اند و مادرش هم زنی راستگو و باایمان بود و هر دو (به حکم بشریت) غذا تناول می‌کردند. بنگر چگونه ما آیات خود را روشن بیان می‌کنیم، آنگاه بنگر که آنان چگونه از حق برگردانیده می‌شوند؟ (مائده: ۷۵)

مقام کمال انسانی و نزول طعام بهشتی: «فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقُبُولِ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لِكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» پس پروردگارش آن دختر را به نیکی از او بپذیرفت و به وجهی پسندیده پرورشش داد و زکریا را به سرپرستی او گماشت و هر وقت که زکریا به محراب نزد او می‌رفت، پیش او خوردنی می‌یافت. می‌گفت: ای مریم، این‌ها برای تو از کجا می‌رسد؟ مریم می‌گفت: از جانب خدا زیرا او هر کس را که بخواهد بی حساب روزی می‌دهد. (آل عمران: ۳۷)

برتری بر زنان عالم: «وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» و فرشتگان گفتند: ای مریم خدا تو را برگزید و پاکیزه ساخت و بر زنان جهان برتری داد. (آل عمران: ۴۲)

عبادت زاهدانه و متواضعانه: عبادت زاهدانه و متواضعانه حضرت مریم علیهما السلام در میان قوم متعصب و متحجر، با ملامت و مرارت‌های بی‌شماری همراه بود. لیک آن بانو بر استقامت محقانه خویش پای فشرد و ظفر یافت. «وَإِذْ كُنَّا فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا». در این کتاب مریم را یاد کن آن

دم که در مکانی در طرف شرقی مسجد از کسان خود کناره گرفت.

گفتگو با خدای متعال: «فَكُلِّي وَأَشْرِبِي وَقَرِّي عَيْنًا فَإِمَّا تَرِينَنَ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنَّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا» پس ای زن، بخور و بیاشام و شادمان باش و اگر از آدمیان کسی را دیدی، بگویی: برای خدای رحمان روزه نذر کرده‌ام و امروز با هیچ بشری سخن نمی‌گویم. (مریم: ۲۶)

احساس نگرانی و ترس از خدشه‌دار شدن عفت وی و آرزوی مرگ: «فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَنْسِيًّا» درد زاییدن او را به سوی تنه درخت خرمايي کشانید گفت: ای کاش پیش‌ازاین مرده بودم و از یادها فراموش شده بودم. (مریم: ۲۳)

پناه بردن به خدا هنگام احساس خطر: «قَالَتْ إِنَّيَأُفُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا» مریم گفت: از تو به خدای رحمان پناه می‌برم، که پرهیزگار باشی. (مریم: ۱۸)

نقش‌های اجتماعی و تربیتی

خدمتگزاری مسجد: «وَقَالَتْ امْرَأَةُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» و زن عمران گفت: ای پروردگار من نذر کردم که آنچه در شکم دارم از کار این جهانی آزاد و تنها در خدمت تو باشد. این نذر را از من بپذیر که تو شنوا و دانایی. (آل عمران: ۳۵)

نقش مادری، بارداری و وضع حمل: «فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا» پس به او آبستن شد و او را با خود به مکانی دور افتاده برد. (مریم: ۲۲)

معجزه: تولد فرزند به اذن خدا و بدون همسر: «قَالَتْ أَنِّي يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا» قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَّقْضِيًّا» (گفت: از کجا مرا فرزندی باشد، حال آنکه هیچ بشری به من دست نزنده است و من بدکاره هم نبوده‌ام. گفت: پروردگار تو این‌چنین گفته است: این برای من آسان است ما آن پسر، را برای مردم آیتی و بخشایشی کنیم و این کاری است که بدان حکم رانده‌اند. (مریم: ۲۰ و ۲۱)

دعوت به حق از طریق نوزاد در گهواره: «فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا» قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا» به فرزند اشاره کرد گفتند: چگونه با کودکی که در گهواره است سخن، بگوئیم؟ کودک گفت: من بنده خدایم، به من کتاب داده و مرا پیامبر گردانیده است. (مریم: ۲۹ و ۳۰)



جدول ۱- مقایسه ویژگی‌های رفتاری و نقش‌های اجتماعی حضرت مریم علیها السلام و حضرت موسی علیه السلام

حضرت مریم <small>علیها السلام</small>	حضرت موسی <small>علیه السلام</small>	
برتری بر زنان عالم	فضائل اخلاقی و معنوی بلند پایه موسی	ویژگی‌های شخصیتی، معنوی و رفتاری
از جمله عبادت‌کنندگان	هدایت شده	
مطیع امر خدا (قانتین)	مخلص	
صدیقه (صداقت و سلامت گفتار)	ابرومند نزد خدا	
گفتگو با خدای متعال	سخن گفتن با خدا	
روحیه توحیدی	روحیه توحیدی و استمداد از خداوند	
دارای مقام کمال انسانی (نزول طعام بهشتی بر روی)	با نرمی سخن گفتن	
پاکی و طهارت مریم <small>علیها السلام</small>	قوی و امین	
ارزوی مرگ	تعجیل	
پناه بردن به خدا هنگام احساس خطر	احساس پشیمانی طلب مغفرت از خداوند	
	احساس ترس و نگرانی	نقش‌های اجتماعی و تربیتی
	خشمگینی (هنگام حمله به دشمن)	
	خشم و تاسف در مشاهده کمراهی قوم خود	
	برخورد سخت‌گیرانه با برادرش هارون	
	ترس از تکذیب و طغیان فرعون	
	ترس در هنگام دیدن سحر و فریب مردم	
خدمتگزاری مسجد	رسالت و نبوت	
معجزه: تولد فرزند به اذن خدا و بدون همسر	معجزه: عصای موسی <small>علیه السلام</small> ، يد بيضا و ...	
نقش مادری	یاری مظلومان	
دعوت به حق از طریق نوزاد در گهواره	کمک به نیازمندان (دختران شعیب)	
تأمین نیازها بدون بیان و بدون واسطه‌ی بشری	تفویض مسئولیت به برادر خود هارون همکاری با هارون به منظور افزایش نیرو	
	رهایی بنی اسرائیل از سلطه فرعون	
	احساس مسئولیت در برابر هدایت قوم خود	
	دادن حکم و علم از جانب خداوند	
	برخورد قاطعانه با متخلفین (سامری)	
	مبارزه با طاغوت	
	اشتغال به چوپانی	
	سرپرستی و مسئولیت خانواده (تهیه آتش برای خانواده)	
	تعیین و پرداخت مهریه	

نتیجه‌گیری

بر اساس آیات و روایات زن و مرد از نظر شئون انسانی و قرب الهی یکسان هستند. از آنجایی که نبوت تشریحی مقام اجرایی است، در اختیار مردها قرار داده شده است. ولی نبوت انبائی بدین مفهوم است که فردی از طریق وحی مطلع شود، اختصاص به مردان ندارد بلکه زنان نیز می‌توانند به این مقام دست یابند.

در این تحقیق به مقایسه و ارزیابی نقش‌های جنسیتی دو چهره شاخص زن و مرد حضرت موسی علیه السلام و حضرت مریم علیها السلام در فرهنگ قرآن کریم پرداختیم. چنانچه نتایج این تحقیق نشان می‌دهد هر دو الگوی قرآنی یادشده در نظر شئون انسانی و قرب الهی یکسان هستند اما در جریان نقش‌های اجتماعی و تربیتی با یکدیگر تفاوت دارند.

بررسی آیات نشان می‌دهد که کفالت حضرت مریم علیها السلام بر عهده زکریا (پیامبر الهی) و در معبد بوده. و نیز تربیت موسی علیه السلام در قصر فرعون و با حمایت و نظارت همسر فرعون (از جمله زنان الگو در قرآن) می‌باشد. هردو شخصیت با ملائکه سخن می‌گویند و با خداوند راز و نیاز می‌کنند و از مقامات معنوی بالایی برخوردارند. صفات ویژه‌ای که قرآن برای حضرت مریم علیها السلام برمی‌شمارد پاکی و طهارت است. برای حضرت موسی علیه السلام می‌فرماید به او حکم و علم را عطا کردیم.

در بیان آیات اوج داستان موسی علیه السلام در جریان مبارزات با فرعون و برخورد با قوم خود می‌باشد. اما در داستان مریم علیها السلام نقطه اوج داستان جریان زایمان معجزه‌آسای ایشان و تولد فرزند بدون همسر می‌باشد. هر دو دارای معجزه اما به اشکال متفاوت و در راستای اهداف آنان می‌باشد.

هر دو الگوی قرآنی در جریان مبارزه دچار احساس ترس می‌شوند و خداوند به هردو دلداری داده و وعده یاری می‌دهد. و هردو به خدا پناه می‌برند. خداوند برای یاری حضرت موسی علیه السلام برادرش هارون را می‌فرستد و مدافع مریم علیها السلام طفل در گهواره‌اش حضرت عیسی علیه السلام است که لب به سخن می‌گشاید. موسی علیه السلام هنگام حمله به دشمن، مشاهده گمراهی قوم خود و در برخورد با بردار خود هارون دچار احساس خشم می‌شود.

در آیات سوره قصص داستان ازدواج موسی علیه السلام و پرداخت مهریه وی به شعیب پیامبر را بیان می‌کند. از طرفی در آیات دیگر به شغل چوپانی ایشان اشاره می‌کند. اما چنان چه در قرآن آمده حضرت مریم علیها السلام ازدواج نکرده و کفالت ایشان بر عهده یحیی پیامبر



بوده. و مهم‌ترین نقشی که قرآن کریم برای مریم علیها السلام در نظر گرفته نقش مادری پیامبر الهی حضرت عیسی علیه السلام می‌باشد. حضرت موسی علیه السلام در راه بازگشت برای آوردن آتش برای خانواده خود می‌رود و در آن جا با وحی الهی مواجه می‌شود. اما در جریان زایمان مریم علیها السلام خداوند نهر آب را زیر پایش روان می‌کند و از درخت خرمايي برای او قرار می‌دهد. از طرفی خداوند از طعام‌های بهشتی برای ایشان قرار می‌دهد.

در جمع بند نتایج حاصله از تحقیق به موارد ذیل می‌توان اشاره نمود:
ماداران هر دو بزرگوار، زنانی مؤمن و دارای کمالات اخلاقی بودند اما در تربیت کودک نسبت نسبی مهم نیست و مهم شخصیت مربی است که وی را در مسیر صحیح رشد و کسب کمالات هدایت کند.

بر اساس تحلیل آیات، هم مرد و هم زن، امکان و نیز وظیفه تبلیغ دین و خدمت به خداوند و خلق را دارند؛ اما روش برای هر یک از این دو، ویژه است. شاخصه اصلی مرد الگو بنابراین تحقیق، اقتدار و صلابت است که به صورت «خشم» نمود یافته است. مرد بر اساس شاخصه اصلی شخصیت خود با «سخنوری» و «جنگاوری»، در راه خداوند جهاد و تبلیغ می‌کند. شاخصه اصلی زن الگو نیز نیاز و تأمین نیاز وی است. در همین راستا «رفتار عملی» و «خدمت کردن» روش تبلیغی زن است.

توجه به دو عنصر اقتدار و نیاز در رفتارهای زن و مرد، و کسب مهارت‌های لازم در جهت مدیریت روابط زناشویی و همسررداری به طوری که می‌تواند منجر به کاهش اختلافات خانوادگی گردد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتابنامه

• قرآن کریم

- احمدی، ابراهیم، (۱۳۹۷)، «انعطاف ناپذیر دانستن نقش‌های جنسیتی و دفاع از تبعض‌های جنسیتی و دعای از تبعیض‌های جنسیتی»، *پژوهش نامه زنان*، سال نهم، شماره اول: ۱۲-۳۵.
- احمدی فاطمه، تشکری زهرا، (۱۴۰۰)، «تأثیر خانواده در جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیت از دیدگاه اسلام و فمینیسم»، *مجله پژوهش‌های اسلامی جنسیت و خانواده*، سال چهارم، شماره ششم: ۵۳-۶۵.
- اسدی کرم، طالب، (۱۳۷۹)، «داستان موسی علیه السلام و هارون علیه السلام درسهایی در زمینه رهبری»، *مجله مصباح*، شماره ۳۶.
- براتی، شهناز؛ مرادخانی، مهری؛ عنایت، حلیمه، (۱۳۹۲)، «تقسیم کار جنسیتی از دیدگاه اسلام». *پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده*، سال دوم (۲): ۱۳۹-۱۵۴.
- بختیار، مریم؛ رضایی، اکرم، (۱۳۹۱)، «بررسی مقام و جایگاه زن در اسلام و مسیحیت»، *فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ*، سال سوم (۱۱): ۶۱-۷۳.
- بستان، حسین، (۱۳۸۵)، «بازنگری نظریه‌های نقش جنسیتی»، *پژوهش نامه زنان*، دوره ۴: ۳۱-۵.
- بهرام پور، ابولفضل، (۱۳۸۹)، *تفسیر یک جلدی مبین*، قم: آوای قرآن، چاپ دوم.
- پورمحسنی فرشته، ظهیری نگار، عطادخت اکبر، (۱۳۹۸)، «نقش ابعاد تاریک شخصیت، تمایز یافتگی و نقش‌های جنسیتی در پیش‌بینی دلزدگی زناشویی»، *مجله روانشناسی خانواده*، دوره ۶، شماره ۲: ۴۳-۵۶.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۹)، *زن در آیین جلال و جمال*، قم: اسرا.
- حسینی زاده، علی. شرفی، محمد رضا، (۱۳۸۹)، «نقد دیدگاه فمینیسم لیبرال در زمینه برابری زن و مرد از منظر قرآن و روایات»، *دو فصلنامه علمی پژوهشی تربیت اسلامی*، سال پنجم، شماره ۱۱: ۳۴-۵۸.
- خمه، اکرم، (۱۳۸۵)، «بررسی نقش عوامل فرهنگی - اجتماعی بر طرحواره‌های نقش جنسیتی در دو گروه قومی از دانشجویان در ایران»، *فصلنامه مطالعات روانشناختی*، شماره ۲: ۱۴۶-۱۲۹.
- رئیس‌الساداتی، ریحانه، (۱۳۹۲)، «خشونت نسبت به زنان از منظر تفاسیر قرآنی»، *مجله مطالعات زن و خانواده*، دوره ۱ (۱): ۱۱۹-۱۵۸.
- ساروخانی باقر، (۱۳۷۹)، *جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: سروش.
- سفیری، خدیجه، (۱۳۸۵)، «احساس ناسازگاری میان نقش اجتماعی و خانوادگی در زنان»، *مجله مطالعات زنان*، سال ۴، شماره ۲: ۴۷-۷۰.
- سهراب زاده مهران، شعاع صدیقه، نیازی محسن و همکاران، (۱۳۹۸)، «بازاندیشی نقش‌های جنسیتی زنانه و تعیین‌کننده‌های فرهنگی و اجتماعی مرتبط با آن»، *نشریه علمی فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده*، سال چهاردهم، شماره ۴۹: ۸۷-۱۱۱.
- شاطرزاده سمانه، توسلی مجید، اطهری سید حسین، (۱۴۰۱)، «پیش‌بین سلامت روان زنان شاغل در دستگاه‌های اجرایی سیاسی و غیر سیاسی بر اساس طرحواره نقش‌های جنسیتی»، *مجله زن و مطالعات خانواده*، سال پانزدهم، شماره ۵۵: ۱۱۳-۱۱۹.
- شاهدی، سامره. فرجودی، محمد علی، (۱۳۸۹)، «جایگاه شغلی زن در خانواده و اجتماع از دیدگاه قرآن»، *فصلنامه زن و جامعه*، سال اول، شماره ۴: ۱۱۳-۱۱۳.
- شاهورانی، مریم. علم‌الهدی، جمیله. آشتیانی، ملیحه، (۱۳۸۷)، «بررسی تفاوت‌های جنسیتی زنان و مردان در دو دیدگاه قرآن مجید و فمینیسم»، *فصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآنی*، سال اول (۱): ۶۳-۸۴.



- طباطبایی، محمد حسین، (۱۴۱۷)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ اول، بیروت: منشورات موسسه علمی
- فلاحتی، لیلا (۱۳۹۵)، «نگرشی به نقش‌های جنسیتی در نسبت با قومیت و جنسیت»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، دوره نهم، شماره ۱: ۳۳-۵۹.
- قاسمی، فاطمه، (۱۳۹۷)، «مقایسه تطبیقی نقش‌های جنسیتی در رویکرد اسلامی و جامعه شناختی»، *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*، سال بیست و چهارم (شماره سوم): ۵۹-۸۲.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۸) *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- مستقیمی، مهدیه. امرایی، ایوب. فضلی، محمد. (۱۳۸۹) تحلیلی از متانت گفتاری زبان قرآن در حوزه التذاذات جنسی، *نشریه مطالعات راهبردی زنان*، سال سیزدهم (۲۹): ۱۵۷-۱۰۷.

- Bem, S.L. (1974). The measurement of psychological androgyny. *Journal of consulting and clinical psychology*, 42:155 – 162.
- Bem, S.L. (1981). Gender schema theory: A cognitive account of sex – typing. *Psychological Review*. 88: 354 – 364.
- Beml, S.L. (1983). Gender schema theory and its implications for child development: Raising gender aschematic society. *Signs*, 8: 598 – 616
- Closson, K., Hatcher, A., Sikweyiya, Y., Washington, L., Mkhwanazi, S., Jewkes, R., ... & Gibbs, A. (2020). Gender role conflict and sexual health and relationship practices amongst young men living in urban informal settlements in South Africa. *Culture, Health & Sexuality*, 22, 31-47.
- Crawford, H.m Unger, R., (2004). *Women and gender*, New York. MCGrow Hill Company.
- Lindsey, L. L., & Christy, S. (2011). *Gender roles: A sociological perspective*. Pearson Prentice Hall.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی